

چه کسی جیب سیگاری‌ها را می‌زند؟



سیدهمدرضا بنی‌طبا

پژوهشگر اقتصادی

روندتوزیع کالا‌های اساسی وبخصوص کالا‌های مصرفی در جنگ ۱۲ روزه دچار اختلال نشد. همه فروشگاه‌ها از مواد غذایی سرشار بود و این البته جز از مناعت طبع مردم برنمی‌خاست. قیمت محصولات نیز با وجود اینکه بنگاه‌ها با ابهام ریسک افزایش هزینه‌های تولید و تامین مواد اولیه مواجه بودند، دچار تغییر نشد و تقریباً همه کالاها با همان نرخ‌ی که به عنوان قیمت مصرف‌کننده بر روی آنها درج شده بود، در فروشگاه‌ها عرضه شد. اگر به عنوان یک مصرف‌کننده به فروشگاه‌ها سر می‌زدید، نه‌تنها با وفور کالا مواجه بودید بلکه قیمت کالاها نیز با رعایت دستورالعمل قیمت‌گذاری سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عرضه شده و به مدد زیرنویسی‌های متعدد تلویزیون سازمان تعزیرات ودعوت به گزارش گرانفروشی‌ها قیمت کالاها همان بود که قبل از جنگ بود، مگر سیگار ودخانیت!

انتظار اینکه قیمت دخانیات و سیگار که با همه انتقادها هنوز در سبید هزینه‌خوار قرار دارد، در طول جنگ مانند سایر کالا‌های مورد نیاز مردم تغییر نکند بسیار دور از انتظار بود؛ چه اینکه در شرایط عادی هم تبعیتی نه از قواعد قیمت‌گذاری دارد و نه شفافیتی در عرضه وتوزیع. همه‌ی ما دایم که انحصار تولید دخانیات که از سال‌های ابتدایی قرن گذشته شروع شده بود، قریب به ۲۰ سال پیش با حضور شرکت‌های خارجی شکسته شد و در حال حاضر قریب به ۷۰ درصد بازار سیگار ودخانیت در اختیار دو شرکت خارجی است و مابقی در اختیار شرکت دخانیات ایران.

فصل مشترک سیگار به عنوان یک کالا با سایر کالاها این است که بر روی آن قیمت مصرف‌کننده درج شده است؛ قیمتی که سازمان حمایت بر آن ناظر است و یا دست‌کم بنا به شیوه‌نامه‌های این سازمان است که کلیه تولیدکنندگان، موظف به درج قیمت مصرف‌کننده بر روی کالای خود هستند. اگرچه درج قیمت مصرف‌کننده به نوعی سرکوب رقابت در حوزه توزیع است اما جای بحث این مقال در این مجال نیست و آنچه مهم است این است که قیمت مصرف‌کننده بر روی پاکت سیگار مثل سایر کالاها درج شده است اما برخلاف سایر کالاهاتبعیتی از قیمت‌مندرج ندارد.

همین حلال روی میز من سیگاری است که قیمت مصرف‌کننده آن ۳۱ هزار تومان است اما با بیش از ۱۰۰ درصد افزایش به قیمت ۶۵ هزار تومان خریداری کرده‌ام! همین سیگار را در محله‌مان با ۶۰ هزار تومان و در مسیر کار ۷۰ هزار تومان هم خریداری کرده‌ام. ولی یک بطری شیر در محله ما به همان قیمتی قابل تهیه است که در نیواورن یا یافت‌آباد، پدیده عجیبی است که در سامانه ۱۲۴ سازمان حمایت نرخ سیگار وجود ندارد اما تقریباً از هر کالایی که بخواهید قیمتی در سامانه این سازمان خواهید یافت. عجیبتر اینکه وقتی به سایت سازمان تعزیرات مراجعه می‌کنید، به‌خصوص در دولت آقای رئیسی که رئیس سابق تعزیرات چوب به دست از تولیدکننده مواد غذایی تا دک‌های در بیمارستان ارتش را به‌فلک تعزیر می‌بست، خبری از بر خورد با گران‌فروشی سیگار نیست. گویی تضادی از دنیفعان تولید و عرضه و فروش وجود ندارد و مصرف‌کننده سیگار چون مصرف‌کننده سیگار است بایدمنافع پراپهام وغیرشفاف تولیدکنندگان وتوزیع‌کنندگان را از جیبش پرداخت کند. یادداشت در پی قبح‌زدایی از مصرف سیگار یا مخالفت با سیاست‌های مالیاتی برای کنترل مصرف و کاهش هزینه‌های درمان خانوار نیست، مسئله تلافی عریان است که به بسادگی از سوی سازمان‌هایی که خود را متولی تنظیم بازار و ناظر بر قیمت می‌بینند، نادیده گرفته می‌شود و آن اینکه چرا برخلاف تقریباً همه کالا‌های عمومی تعریف‌شده در سبد خانوار، قیمت مصرف‌کننده بر روی پاکت‌های سیگار، رعایت نمی‌شود؟

اگر مقصر فروشندگان جز هستند، چرا آنها چنین تلافی را در قبال لبنیات و حبوبات و نوشیدنی نمی‌کنند؟ متخلف را باید در فرآیند تولید وتوزیع جست. قیمت سیگار می تواند موضوع گزارشی تحقیقی با این سوال باشد که چه منفعت مشترکی بین تولیدکنندگانی که اتفاقاً خارجی هستند و سهم عمده بازار ایران را در دست دارند و برخلاف سایر خارجی‌ها آنقدر منفعت داشته‌اند که با وجود تحریم از بازار ایران خداحافظی نکنند؛ با توزیع‌کنندگان سیگار که همه آنها باید برای توزیع این کالا کسب مجوز کشوری واستانی کنند و خود دارد که در نهایت سازمان حمایت وتعزیرات سال‌های سال چشم بر قیمت مصرف‌کننده بر روی پاکت‌های سیگار بسته‌اند؟ سیگار کشیدن خوب نیست اما مجوزی برای زدن جیب سیگاری‌ها هم نمی‌تواند باشد!

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۸۳۹
www.hammihanonline.ir

صورت خلاصه درآمد ماهانه جمع‌آوری تفکیک پسماند در یکی از مناطق تهران					
شرح	حجم روزانه (تن)	حجم ماهانه (تن)	قیمت هر کیلو (تومان)	قیمت هر تن (تومان)	مبلغ کل (تومان)
PET	۵	۱۵۰	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰
لاک	۱۲	۳۶۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰۰۰۰	۴۶۸۰۰۰۰۰۰۰
نایلون	۶	۱۸۰	۷۰۰۰	۷۰۰۰۰۰۰	۱۲۶۰۰۰۰۰۰۰
کاغذ و کارتن	۱۰	۳۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰۰۰۰	۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰
آهن سبک	۲	۶۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰۰۰۰۰
فلز (قوطی)	۱	۳۰	۱۵۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰
نان خشک	۱۰	۳۰۰	۸۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰
لب بار	-	-	-	-	۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
بارکولی/کتفی	-	-	-	-	-
جمع					۲۳۳۹۶۰۰۰۰۰۰۰۰

▼ پسماندهای ایران از چین و هند سر در می‌آورد

گودهای زباله، با انبوهی از آلودگی و بیماری شناخته می‌شود و از حداقل‌های بهداشتی هم بر‌خوردار نیست. کار تفکیک زباله در چنین محل‌های آلوده‌ای بدون هیچ نظارت بهداشتی انجام می‌شود و بازیافت زباله به طور غیررسمی همه این آلودگی‌ها و بیماری‌ها را با خود همراه می‌کند. محمدحسن کریمیان در کتاب خود که بالاتر به آن اشاره شد، می‌نویسد: «میزان فعالیت شبکه‌های غیررسمی چنان گسترده شده است که پسماند قابل بازیافت ایران در موارد بسیاری، از واحدهای بازیافت صنعتی کشورهایی مثل چین و هند سردر می‌آورد. این کشورها بعد از بازیافت زباله‌های خشک ایرانی‌ها، آنها را مجدداً به تولیدی‌ها می‌فروشند. در این بین غیر از سودی که از زباله‌های ایرانیان عاید اقتصاد بازیافت در چین و هند می‌شود، عده بسیار قلیلی از گردانندگان شبکه‌های زباله‌گردی سود بسیاری به جیب می‌زنند.»

یکی از فعالان حوزه بازیافت به هم‌میهن می‌گوید: «شبکه غیررسمی جمع‌آوری سبب شده تخلفات گسترده‌ای صورت گیرد که زمینه بسیاری از بیماری‌ها را فراهم می‌کند و سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد. از جمله بازیافت پسماندهای پزشکی که غیرقانونی است و باید پس از بی‌خطرسازی دفن شود و یا بازیافت پسماندهای خوراکی آلوده از جمله نان‌های کیک‌زده برای استفاده به عنوان خوراک دام. ماشین‌های شبکه غیررسمی با گشت‌زنی در خیابان‌ها، زباله‌گردان خود را کنترل می‌کنند. در صورتی که فردی خارج از نفرات خود به این حوزه وارد شوند از به کارگیری سلاح سرد و گرم نیز هراس ندارند.»

▼ وقتی تکنولوژی به عرصه زباله پا گذاشت

در سال‌های گذشته، تکنولوژی به عرصه زباله پا گذاشت. چندین اپلیکیشن ایجاد شد تا پسماندهای قابل بازیافت را از در منازل جمع‌آوری کند و شهروندان فقط زباله غیر قابل بازیافت را به مخازن بیاندازند. بهمان، زیست‌اپ و پاک‌زی از جمله این اپلیکیشن‌ها بود. اما فشار زیادی که به صاحبان این طرح‌ها وارد شد، خیلی زود آنها را از میدان به در کرد. در واقع پیمانکاران شهرداری با قدرت و ثروتی که داشتند، سدی مقابل آنها شدند و به این ترتیب عمر آنها خیلی زود تمام شد. تنها در شهر مشهد به دلیل نظر مساعد شهردار یکی از این اپلیکیشن‌ها ادامه فعالیت داد. بعد از عدم موفقیت بخش خصوصی این بار شهرداری تهران با طرح نومانده به این حوزه ورود کرد. همان نسخه‌ای که بخش خصوصی قرار بود اجرا کند این بار توسط شهرداری به اجرا درآمد اما نومانده هم موفق نشد.

صدرنژاد به فرآیندی اشاره می‌کند که اتحادیه بازیافت برای فعالیت بخش خصوصی صنایع طی کرد تا مجوز رسمی گرفته و جمع‌آوری مواد قابل بازیابی از در منازل را به صورت رسمی انجام دهد: «ما سعی کردیم به طور رسمی فعالیت کنیم یعنی از طریق اتحادیه صنایع بازیافت که حالا تشکیل بخش خصوصی این حوزه است مجوز دریافت کنیم و شرکت‌های رسمی بخش خصوصی جمع‌آوری مواد قابل بازیابی را از در منازل انجام دهند یا شهروند این مواد را به یک مرکز جمع‌آوری فروشگاهی تحویل دهد. خدمات جمع‌آوری زیرمجموعه وزارت صمت است. بنابراین درخواست‌ها به این وزارتخانه ارسال شد. دو سال زمان برد تا هیئت‌مقررات مصوب کرد مجوز این کار را و وزارت صمت صادر کند. از سال ۱۴۰۱ تا الان سه سال است که منتظریم وزارت صمت این مجوز را صادر کند ولی هنوز در چالش تغییر یری‌دپی وزرا و مسئولان گرفتار مانده است.

محمدحسن کریمیان

جامعه‌شناس:

فعالیت شبکه‌های

غیررسمی چنان

گسترده شده که

پسماند قابل بازیافت

ایران در موارد

بسیاری، از واحدهای

بازیافت صنعتی

کشورهایی مثل چین

و هند سردر می‌آورد.

این کشورها بعد از

بازیافت زباله‌های

خشک ایرانی‌ها، آنها

را مجدداً به تولیدی‌ها

می‌فروشند. در این

بین غیر از سودی که

از زباله‌های ایرانیان

عاید اقتصاد بازیافت

در چین و هند می‌شود،

عده بسیار قلیلی از

گردانندگان شبکه‌های

زباله‌گردی سود

بسیاری به جیب می‌زنند

به ۱۵۰ تن PET جمع‌آوری شده در این منطقه ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان از این ضایعات درآمد به دست آمده است. جمع‌آوری ۳۶۰ تن از نوعی ضایعات با نام لاک در این منطقه ۴ میلیارد و ۶۸۰ میلیون تومان درآمد ایجاد کرده. نایلون در حجم ۱۸۰ تن یک میلیارد و ۲۶۰ میلیون تومان فروخته شده، ۳۰۰ تن کاغذ و کارتن ۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان، ۶۰ تن آهن سبک ۷۲۰ میلیون تومان، ۳۰ تن فلز (قوطی) ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، ۳۰۰ تن نان خشک ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان و لب بار ۲ میلیارد تومان درآمد ایجاد کرده است؛ آن هم فقط در یک منطقه شهرداری. آن هم در یکی از ماه‌های میانی سال. این اعداد در ماه پایانی سال حداقل تا دو برابر افزایش می‌یابد. از این ترنرؤ مالی میلیاردی سهم کودکان زباله‌گردچيست؟

در تماس با یکی از مدیران با سابقه در شهرداری درباره کم و کیف مزایادات می‌پرسم. اینکه کف مزایادات چقدر است؟ چند پیمانکار در تهران فعال هستند؟ روش‌های واگذاری غیر از مزایده چیست؟ درآمد پیمانکاران چقدر است؟ شهرداری چقدر از واگذاری محلات درآمد دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها یک جمله بود. اطلاع ندارم. نه اینکه بخواهد از زیر پاسخ دادن شانه خالی کند. دلیل به پراکندگی کار، درآمدهای رسمی و غیررسمی و خیلی جزئیات دیگر بر می‌گردد که سبب می‌شود حتی مسئولان مستقیم هم از اعداد دقیقی بی‌خبر باشند.

▼ من مافیا نیستم

ورود به جمع پیمانکاران امکان‌پذیر نیست. جنگ بر سر پول کلان است. از واژه جنگ استفاده می‌کنیم چون تجانس زیادی با آنچه در این حوزه اتفاق می‌افتد دارد. در نزاع سر تصاحب زباله، فقط سلاح سرد استفاده نمی‌شود. اینجا سلاح گرم هم، کارایی دارد. خبرها کمتر درز می‌کند اما فعالان این حوزه آن را تایید می‌کنند. تلاش برای ارتباط با یکی از پیمانکاران از طریق یک واسطه به نتیجه می‌رسد. موفق به گفت‌وگوی مستقیم نمی‌شویم ولی چند کلامی از زبان واسطه می‌شنویم. می‌پرسم چرا چنین انحصاری ایجاد کردید؟ آیا هیچ دستگاه ناظری روی مونوپل ایجادشده نظارت ندارد؟ می‌گوید: «من مافیا نیستم. در شرایطی که کسی حاضر نبود زباله‌های این شهر را سر و سامان دهد، به وضعیت رسیدگی کردیم.» این جمله را می‌گوید و حاضر نمی‌شود پرسش‌های دیگر را بشنود. در دوره‌ای که خصوصی‌سازی به عنوان سیاست بالادستی پیگیری می‌شد، کار جمع‌آوری زباله از طرف شهرداری به بخش خصوصی برون‌سپاری شد. تا پیش از آن بر برخی ضایعات رانمکی‌ها جمع می‌کردند اما با نظام‌مندشدن این پروسه، کار به عهده تعدادی فعال که مجوز داشتند سپرده شد.

به دهه ۹۰ که رسیدیم بین مدیران شهرداری رقابت بر سر درآمدزایی بیشتر شکل گرفت. امین صدرنژاد، دبیر اتحادیه صنایع بازیافت به این‌موضوع اشاره می‌کند و مثال می‌زند: «یکی از مدیران شهرداری در مصاحبه‌ای می‌گوید مدیر قبلی توانسته بود از پسماند ۴۰ میلیارد تومان درآمد ایجاد کند اما من این درآمد را به ۸۰ میلیارد تومان رساندم. به تدریج رویکرد کاسبکارانه‌ای برای به حداکثر رساندن درآمد از زباله شکل گرفت. این رویکرد افزایش کف قیمت مزایادات را به دنبال داشت. شهرداری محلات را به مزایده می‌گذاشت. پیمانکاران قیمت را بالا می‌بردند و برای اینکه حاشیه سود خود را افزایش دهند، هزینه نیروی انسانی را کاهش می‌دادند. به این طریق بود که مهاجران غیرقانونی وحاشیه‌نشینان برای زباله‌گردی جذب شدند. نام کارگر مهاجر غیرقانونی در جایی ثبت نمی‌شد و انتظاری جز دریافت حقوق حداقلی وجود نداشت. بازی‌ای شکل گرفت که از یک طرف درآمد شهرداری ماکسیمم افزایش پیدا می‌کرد و از طرف دیگر با باز گذاشتن دست پیمانکار برای جذب کارگران غیرقانونی، سود آنها را بالا می‌برد.»

او اضافه می‌کند: «البته برخی مدیران شهرداری با خشن‌نیت کار را پیش می‌بردند. به خاطر دارم یکی از مدیران در ایستگاه‌های میانی باسکول گذاشت. به این باسکول‌ها، ام.آ.ف می‌گویند. پیمانکار موظف شده بود فقط پسماند قابل بازیافت که ما به آن مواد قابل بازیابی می‌گوییم به صنایع بازیافتی که دارای مجوز هستند واگذار کند.»

▼ قرار داد نانوشته با نیروهای نیابتی

به گفته صدرنژاد، «زباله‌گردی در این سال‌ها به سرعت افزایش پیدا کرد. پیمانکار با نیروی کار غیررسمی کار می‌کرد اما آنها را رسماً گردن نمی‌گرفت. یعنی با وجود آنکه زباله‌گردان برای پیمانکار کار می‌کنند اما پیمانکار می‌گوید این افراد ارتباطی با مجموعه من ندارند. در عمل پیمانکار با نیرو‌های نیابتی که پراکسی‌های او هستند در شهر فعال است. زباله‌گردان، ضایعات را از سطل‌های می‌کنند و اجازه نمی‌دهند به دست ما برسد. چنین بازی‌هایی سبب شکل‌گیری شبکه‌هایی شد که به اصطلاح به مافیا معروف شدند. معمولاً در حاشیه تهران مستقر هستند. در گازها و در مزارع اطراف تهران. شرایط کار در این گازها به شدت غیرانسانی، خارج از ضوابط ایمنی و خارج از ضوابط بهداشتی است.»

زباله‌گردان معمولاً در طول روز از ساعت ۳ و ۴ بعدازظهر وارد شهر می‌شوند. زمانی که ساعت کار ادارات تمام می‌شود و معمولاً کار گشت‌های شهرداری تمام شده و ماموران شهرداری تعطیل شده‌اند، کار زباله‌گردان شروع می‌شود. تا ۱۲ شب زباله جمع می‌کنند و بعد سوار ماشین شده و بارهای جمع‌آوری شده را به مناطق حاشیه‌ای می‌برند. گاهی این ماشین‌ها در طول روز دوبار از سطح شهر به حاشیه می‌روند. آخرین سرویس ساعت حول وحوش ۲ شب است. زباله‌گردان تا ساعت ۶ تا صبح همون پسماندهای جمع‌آوری شده را جداسازی می‌کنند و به اربابی که مالک گازاژ است یا گازاژ را اجاره کرده تقدأ می‌فروشند. استراحت می‌کنند تا دوباره بعدازظهر داخل شهر کار را شروع کنند.

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران- اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهری هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	م الف: ۴۹۰
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲اَین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابربرای شماره۱۴۰۳/۰۹/۱۴۰۳۰۵۳۰۳۰۹۱۷-۱۴۰۴/۰۲/۱۷ هیات‌اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا جعفری به شماره شناسنامه۱۴۰۴کد ملی۰۴۹۳۵۶۶۶۹۴ صادره ازری فرزند مهرعلی درشش دانگ یکقطعه زمین با بنای احدائی درآن به مساحت۸/۶۸ مترمربع پلاک شماره۱۰۴ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری به موجب (قولنامه عادی وکد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی مورد ثبت صفحه ۱۷۴دفتر۱۳۴۹) معززگردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماهاعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۴/۴/۱۶تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۴/۳۱ سیدمهدی لامعی- رئیس ثبت اسناد و املاک شهری	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک شهری آگهی فقدان سند مالکیت	م الف: ۵۷۴
به نام: هدا صالح بیک که ایشان فوت نموده و وکیل وراث خانم زینب کنعانی پور طبق وکالت‌نامه‌های شماره ۳۵۲۱۴ و ۶۳۸۷۰ و ۱۰۹۰۹۱ و ۱۴۶۰۸ دفترخانه ۱۳۳۲ اسفهان و ۱۸۱ و ۵۷۱ تهران به آدرس: شهری با تسلیم یک برگ استشهاد مصدق به شماره ۵۸۵۹/۰۳/۲۱-۱۴۰۴/۰۳/۲۱ دفتر یک شهری به شرح وارده به شماره ۱۹۶۱/۰۳/۲۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۸ اعلام نموده سند مالکیت شش دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی۳۸۴۷۱ فرعی از ۱۳۲ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۱۹۵ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱۶۴ در طبقه اول و واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۲ حوزه ثبت ملک شهری استان تهران به مساحت ۵۹/۱۳ مترمربع که مقدار(۳/۶۴) متر و شصت و چهار دسی متر مربع آن بالکن و بالکن پیشرفته است. مشخصات مالکیت: مالکیت هدا/ صالح بیک فرزند قاسم شماره شناسنامه ۵۸۵۹۰ تاریخ تولد۱۳۴۹ صادره از یزد دارای شماره ملی۵۸۳۹۵۱۴۴۳ به جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۳۷۷۲۳ از تاریخ ۱۳۰۳/۰۵/۱۳۹۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۴ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت تعویضی به شماره چاپی ۲۷۱۶۶۷ سری ۵ سال ۹۱ که در صفحه ۱۸ دفتر املاک جلد ۶۲۳۴ ذیل شماره ۶۷۷۲۲۲ ثبت گردیده است و طبق دادنامه حصر وراثت شماره ۱۶۹۶۱۱۴-۱۴۰۳/۰۴/۱۰ شعبه ۲ مجتمع شورای فردیس کرج خانم هدا صالح بیک فوت نموده و وراث ایشان سلیمه زرکش مادر و زهرا و فاطمه و فائزه و صادق همگی نجومی و طبق گواهی دفتر املاک در رهن نمی‌باشد که به علت جابه جایی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق ماده ۱۲ اَین نامه قانون ثبت مراتب در طبق نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تاده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. گیرندگان رونوشت:۱- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان ۲- جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) سیدمهدی لامعی- رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری- از طرف محمدجعفر علی	

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی یک مرحله ای نوبت دوم	موضوع مناقصه: درج آگهی مناقصه خرید رگلاتور خانگی شماره تقاضا: ۰۴۳۰۰۱۹۰ شرکت گاز استان البرز در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی ساده مناقصه به شماره نیاز(۰۴۳۰۰۰۰۱۴۰۳۰۰۱۲۰۰) در سامانه تدارکات الکترونیکی (دولت) برگزار نماید. مبلغ برآورد اولیه: ۷۱۱,۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۳,۵۵۸,۵۰۰,۰۰۰ ریال آخرین زمان مهلت دریافت اسناد توسط مناقصه گر: ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ آخرین زمان بازگذاری اسناد توسط مناقصه گر: ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ زمان بازگشایی پاکات " الف، ب، ج، د: ساعت ۱۰:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ شرایط مناقصه گر: ۱- ارائه تاییدیه وزارت نفت ۲- تاییدیه سامانه توانیران در خصوص ارقام موضوع مناقصه توسط تولید کنندگان الزامی بوده و تامین کنندگان از تولید کنندگانی که در سامانه توانیران ثبت نام نمود هاند می‌توانند نسبت به تامین کالا اقدام نمایند و تاییدیه سامانه توانیران مربوط به تولید کننده مزبور را ارائه نمایند ۳- ارائه گواهی Type Test الزامی است آدرس: استان البرز، کرج، میدان طالقانی، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، روبروی تربیت ۶، شرکت گاز استان البرز، امور پیمان ها
شناسه آگهی: ۱۹۶۶۸۰۷	